

شیوه‌های تقابل روسیه با گسترش ناتو به شرق

دکتر محمدجواد حق شناس*

امین باویر**

چکیده

پس از فروپاشی شوروی در سال 1990 یکی از مسائلی که به دغدغه ای برای کشورهای اروپای غربی و آمریکا تبدیل شد، کشورهای اروپای شرقی بودند که تا آن زمان عضو پیمان ورشو بودند. بنابراین نیاز بود که این کشورها به اردوگاه غرب آورده شوند؛ بطوریکه تحت هیچ شرایطی در آینده مجدداً نتوانند هم پیمان روسیه شوند. بنابراین مسأله گسترش ناتو به شرق از همان زمان دنبال می شود. روسیه نیز همیشه گسترش ناتو به شرق را غیر ضروری دانسته و آنرا تهدیدی برای امنیت ملی خود می داند. این دو نگرش در حدود دودهه است که رودرروی هم قرار دارند و البته کفه ترازو به سود غربیهاست، زیرا تا کنون 9 کشور از اروپای شرقی و 3 کشور که زمانی بخشی از خاک شوروی بودند (لیتوانی، لتونی و استونی) به عضویت ناتو درآمده اند. پژوهشگر بدنبال آن است تا شیوه های تقابل روسیه با گسترش ناتو به شرق و همچنین راههای همکاری بین روسیه و ناتو را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: ناتو، روسیه، گسترش ناتو به شرق، امنیت ملی، اروپای شرقی

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه علوم سیاسی، تهران، ایران

** دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

مقدمه

سیاست خارجی روسیه در برابر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) عمدتاً تحت الشعاع اقدام این سازمان در باز کردن درهای عضویت خود به روی کشورهای اروپایی شرقی می باشد. اگر چه از ابتدای دهه 1990، زمزمه های گسترش ناتو به سمت شرق آغاز گردید، لیکن از سال 1994 به بعد بود که به تدریج به یک مسئله و نگرانی در سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. روابط روسیه با ناتو از فراز و نشیب ها و ابهامات بسیار برخوردار است. علت نوسانی بودن این روابط نیز آن است که اصولاً سیاست خارجی روسیه در برابر ناتو تابعی از مناسبات این کشور با ایالات متحده آمریکا و دول اروپایی غربی بوده است. (ثقفی عامری، 1386: 33)

تا قبل از روی کار آمدن پوتین در روسیه، این کشور که هنوز در شوک تجزیه بسر می برد، و از یک ابرقدرت به یک قدرت منطقه ای تبدیل شده بود؛ نتوانست سیاست قاطعی را در برابر گسترش ناتو اعمال نماید. چون سازمانهای نظامی و امنیتی روسیه فاقد انضباط و انسجام دوران شوروی بودند و مدتی زمان برد تا به یکپارچگی و انسجام برسند. و از طرفی روسیه از نظر اقتصادی نیز ضعیف بود. اما با روی کار آمدن پوتین در سال 2000 م روسیه توانست در عرض 4 سال، هم سازمانهای نظامی و امنیتی خود را سامان دهد (چون پوتین خود یک نیروی امنیتی بود) و هم از نظر اقتصادی پیشرفتهای چشمگیری داشته باشد. بطوریکه بعد از پایان دوران ریاست جمهوری وی در سال 2008، روسیه مجدداً توانست بعنوان یک قدرت بزرگ در ترسیم معادلات بین المللی ایفای نقش نماید. در حال حاضر نیز روسیه در اکثر معضلات جهان امروز از قبیل مبارزه با تروریسم، بارزه با قاچاق مواد مخدر، جلوگیری از تولید و گسترش سلاحهای کشتار جمعی و مناسبات و معادلات اقتصادی و فرهنگی با ناتو همکاری می نماید. اما همچنان سیاست مداران روس بر این عقیده اند که گسترش ناتو به شرق امری غیر ضروری است.

سازمان ناتو

در نخستین روزهای پس از جنگ جهانی دوم، در حالی که کشورهای اروپای غربی را بحرانی امنیتی تهدید می کرد؛ تحولات صورت گرفته در نظام بین الملل و تسلط یافتن یک نظام دو قطبی در عرصه بین المللی، بتدریج نشانه هایی از تغییر ساختار اروپا را بدنبال شکل گیری رقابت های ایدئولوژیک آشکار ساخت. بدنبال تهدیداتی که از جانب شوروی متوجه کشورهای اروپای غربی بود؛ پنج کشور بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، فرانسه و انگلیس در 17 مارس 1948 «پیمان دفاعی بروکسل» را امضاء نمودند. امضاء این پیمان منجر به ایجاد یک اتحاد دفاعی میان کشورهای مذکور گردید. درحقیقت هدف اصلی از امضاء پیمان بروکسل، نشان دادن این واقعیت بود که کشورهای اروپای غربی علاوه بر توان ایجاد همکاری میان خود، خواستار تشویق ایالات متحده به ایفای نقش گسترده تر در امنیت اروپای غربی بودند. (دارمی، 1386: 21)

بنابراین نخستین گام عملی در شکل گیری پیمان ناتو در حقیقت در 10 دسامبر 1948 میان نمایندگان 5 کشور عضو پیمان دفاعی بروکسل و آمریکا و کانادا تحقق یافت. در همین راستا دیگر کشورهای اروپایی نظیر جمهوری ایرلند، سوئد، ایسلند، نروژ، دانمارک، پرتغال و ایتالیا نیز نسبت به پیوستن به این پیمان ابراز تمایل و آمادگی کردند. (همان 22)

فلسفه وجودی ناتو در زمان تأسیس، ایجاد کمربند امنیتی به دور دموکراسیهای غربی و نیز محاصره کمونیسم و اقمار آن بود. امضای این پیمان در واقع منعکس کننده نوعی مصالحه و سازش میان آمال و آرزوهای اروپا برای ایجاد تعهدات صریح واشنگتن، در جهت کمک های نظامی متحدان ناتو و میل ایالات متحده به کمک نمودن به کشورهای اروپایی بود. (solan 2003: 15)

روسیه

روسیه با نام رسمی [فدراسیون روسیه](#)، پهناورترین کشور جهان است که در شمال

[اوراسیا](#) قرار دارد. این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع است و با [اقیانوس آرام](#) شمالی و [اقیانوس منجمد شمالی](#)، و نیز با [دریای خزر](#)، [دریای سیاه](#) و [دریای بالتیک](#) مرز آبی دارد. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون [دریای برینگ](#)، [دریای ژاپن](#)، [دریای خزر](#)، [دریای سیاه](#) و [دریای بالتیک](#) ارتباط دریایی دارد.

درون مایه اصلی جهت گیری سیاست خارجی روسیه در برابر ناتو و گسترش این سازمان، چندان آسان به نظر نمی رسد. قطع نظر از دشواری نظر موجود در فهم سیاست خارجی روسیه، موضوع ناتو و گسترش آن از مسائلی است که از نیمه دهه 1990 تاکنون با واکنش های متفاوت از سوی مقامات کرملین¹ مواجه بوده است. ابزار نگرانی و نیز تهدید آمیز خواندن گسترش شرقی ناتو تا تمایل برای عضویت در این سازمان، مجموعه ای از علائم متناقض صادره از سوی روسیه به ناتو بوده است. (کولایی، 1384: 20)

از آن جا که سیاست روسیه نسبت به گسترش ناتو به شرق از درجه بالایی از ابهام برخوردار است و دقیقاً آشکار نیست که این کشور در صدد مقابله، همکاری و یا همگرایی با سازمان یاد شده می باشد، ممکن است بتوان با تحلیل سیاست خارجی روسیه به درون مایه اصلی جهت گیری این کشور نسبت به ناتو پی برد.

دلایل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به شرق

از آنجا که روسیه هنوز خود را به عنوان یک ابرقدرت (حداقل از نظر نظامی) در عرصه بین الملل می داند و گسترش ناتو را در راستای تضعیف موقعیت خود در عرصه بین الملل می داند بنا به دلایلی با گسترش ناتو به سوی شرق مخالف است، که مهمترین این دلایل عبارتند از:

1- تلقی روسیه از گسترش به مفهوم تهدیدی علیه امنیت روسیه

روسیه، گسترش ناتو را نوعی خطر علیه امنیت ملی خود دانسته و آنرا در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین الملل، از بین بردن مناطق حائل روسیه و بی توجهی به این کشور بزرگ می داند.

2- گسترش ناتو در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین الملل

پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی، مسکو ابرقدرتی خود را در نظام بین الملل از دست داد، ولی روسیه میراث دار تسلیحات اتمی و متعارف اتحاد جماهیر شوروی شد با وجودی که روسیه، قدرت درجه اول بین المملی در زمینه اقتصادی و نظامی به شمار نمی آید، اما کشور ضعیف شده نظامی نیز نیست. روسها بر این باورند که هرگونه گسترش (ناتو) به سوی شرق و به سوی روسیه به زیان این کشور است. (علیخانی، 1379: 8)

3- از بین رفتن مناطق حائل

یکی دیگر از دلایل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به شرق از بین رفتن مناطق حائل و هم مرزی این کشور بزرگ با ناتو است. بیشتر کشورهایی که خواستار عضویت در ناتو هستند، می توان به سه دسته تقسیم کرد:

1- کشورهای اروپایی شرقی (خارج دور) 2- جمهوری های بالتیک 3- جمهوری های خارج نزدیک. (جانسون، 1378: 239-240)

در میان سه دسته کشورهای نامبرده جمهوری های بالتیک و خارج نزدیک، از اهمیت بالای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برای روسیه برخوردار هستند. علت اصلی نیز آن است که این کشورها در برابر گسترش ناتو به شرق بعنوان منطقه حائل روسیه به شمار می آیند. (کولایی، 1374: 88)

از سوی دیگر، روسیه گسترش ناتو به کشورهای اروپایی شرقی را زمینه ساز گسترش این سازمان به سوی کشورهای بالتیک و سپس جمهوری های خارج نزدیک می داند و به

همین دلیل، به شدت با گسترش ناتو مخالفت می کند. در میان جمهوری های بالتیک و خارج نزدیک که برای روسیه از اهمیت والاتری برخوردار هستند، می توان از روسیه سفید، اوکراین، گرجستان¹، آذربایجان و ارمنستان نام برد. علت اهمیت 3 کشور گرجستان، آذربایجان و ارمنستان، آن است که این کشورها در نزدیکی کشور ترکیه یکی از اعضای ناتو قرار دارند و در میان کشورهای ذکر شده به جز ارمنستان همه ی کشورهای دیگر همسایه روسیه به شمار آمده و از این رو، از اهمیت و افری برای مسکو برخوردارند. از دیدگاه کرملین، کشورهای یاد شده بعنوان منطقه ی حائلی بین مسکو و ناتو بوده و آخرین سپر دفاعی روسیه به شمار می آیند. شاید به دلیل همین حساسیت بالای روسیه بود که به جز سه کشور چک، مجارستان و لهستان با درخواست دیگر متقاضیان عضویت در ناتو موافقت نشده است. اعضای ناتو به دلیل آنکه سه کشور یاد شده اروپای شرقی، فاصله بیشتری با روسیه داشتند، بسیار محتاطانه و پس از سال ها انتظار، آنها را به عضویت این سازمان در آورند. گزینش سه کشور یاد شده، به دلیل آن که جزء نخستین اولویت های امنیتی روسیه نبودند، کمتر خشم مسکو را بر می انگیزد و به نظر می رسد که ناتو در مراحل بعدی گسترش خود نیز از گزینش کشورهای پیرامونی روسیه خودداری ورزد و برای گسترش خود، تلاش بر روی کشورهایی همچون رومانی، اسلونی و بلغارستان متمرکز سازد. (دارمی، 1386: 154) این سه کشور (رومانی، اسلونی و بلغارستان) در سال 2004 به عضویت ناتو درآمدند.

ردیف	کشور	جمعیت	مساحت به kmm	GDP (تولید ناخالص داخلی)	موقعیت	سال عضویت در ناتو
1	جمهوری چک	10 / 320 / 060	78866	265/880 بیلیون \$	شرق اروپا	1999

2004	شرق اروپا	109 / 677 میلیارد \$	35049	5379455	اسلواکی	2
1999	شرق اروپا	4 / 959 میلیارد \$	312685	/ 802 / 000 38	لهستان	3
1999	شرق اروپا	1 / 942 میلیارد \$	93030	/ 041 / 000 10	مجارستان	4
نیست	شرق اروپا	64 میلیارد \$	255804	/ 724 / 919 23	یوگسلاوی	5
2004	شرق اروپا	47 / 01 میلیارد \$	20273	/ 053 / 355 2	اسلونی	6
در شرف پیوستن	شرق اروپا	37 / 780 میلیون \$	56542	/ 453 / 500 4	کرواسی	7
در شرف پیوستن	شرق اروپا	17 / 396 بیلیون \$	25713	/ 022 / 547 2	مقدونیه	8
2010	شرق اروپا	15 / 700 بیلیون \$	27848	/ 130 / 000 3	آلبانی	9
2004	شرق اروپا	93 / 805 بیلیون \$	110912	/ 640 / 238 7	بلغارستان	10
2004	شرق اروپا	272 / 881 بیلیون \$	237500	/ 276 / 000 22	رومانی	11
نیست	شرق اروپا	10141 بیلیون \$	33846	/ 567 / 500 3	مولداوی	12
درخواست عضویت	شرق اروپا	8 / 339 میلیارد \$	603268	/ 179 / 226 46	اوکراین	13
نیست	شرق اروپا	115 / 027 بیلیون \$	207600	/ 045 / 200 10	بلاروس	14
2004	بالتیک	27 / 813 بیلیون \$	65200	/ 350 / 400 3	لیتوانی	15
2004	بالتیک	40 / 420 بیلیون \$	64589	/ 270 / 700 2	لتونی	16
2004	بالتیک	27 / 813 بیلیون \$	45227	/ 340 / 600 1	استونی	17
درخواست	قفقاز جنوبی	20 / 516 میلیارد \$	69700	/ 630 / 841	گرجستان	18

عضویت				4		
نیست	قفقاز جنوبی	65 / 523 میلیارد \$	86600	/ 730 / 000 8	آذربایجان	19
نیست	قفقاز جنوبی	298 / 019 \$	29800	/ 231 / 900 3	ارمنستان	20

اهمیت مناطق حائل برای روسیه

اول آنکه این گونه کشورها، جزئی از اتحاد جماهیر شوروی محسوب می شدند و روسیه هم چنان مایل است که نفوذ سیاسی خود را بر این کشورها ادامه دهد. روسیه نمی تواند نظاره گر حضور ناتو در کشورهایی باشد که با منافع و امنیت ملی این کشور گره خورده اند.

دوم آنکه روسیه، حفظ ثبات و امنیت کشورهای یاد شده را برای تأمین ثبات و امنیت خود امری ضروری تلقی می کند و خواستار ایجاد ثبات در این مناطق است. مسکو بر این باور است که از بین رفتن مناطق حائل، موجب بر هم خوردن ثبات و تعادل نیروها، تشدید خطر نظامی و عامل حمله ناگهانی خواهد بود. (گروموف، 1376: 231)

از سویی، انتقال هر گونه بی ثباتی از کشورهای همسایه روسیه به مسکو، و خطر تروریسم، روسیه را ترغیب می کند تا خود را از نظام امنیتی این گونه کشورها خارج نسازد. (طاوولی، 1378: 31)

برهمن مینا یوگنی پریماکف¹ نخست وزیر سابق روسیه بر این باور است که: «ما مخالف گسترش ناتو هستیم، گرچه بعضی از کشورها به آن پیوسته اند ما خط قرمزی برای ناتو ترسیم کرده ایم که عبارت از عدم پذیرش جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی سابق به عضویت ناتو است.» (علیخانی، 1379: 8)

سوم آنکه روسیه نگران تقویت اقتدار نظامی ناتو به خاطر لهستان و یا دیگر

1- Y. Primakov

کشورهای خواستار عضویت نیست، بلکه نگران تحکیم نفوذ آمریکایی ها در اروپا برخلاف منافع روسیه است. یکی از مهمترین نگرانی های روسیه در مورد از بین رفتن مناطق حائل مسئله کالینین گراد¹ است. بر اساس ماده ی 65 قانون اساسی فدراسیون روسیه، کالینین گراد یکی از 89 بخش این کشور بشمار می آید. (کولایی، 1377: 30) این منطقه نزدیک به 900 هزار نفر را در خود جای داده است و 129 کیلومتر مربع وسعت دارد. بر خلاف همه ی مناطق روسیه کالینین گراد به صورت منطقه ای در خارج از مرزهای روسیه و در همسایگی کشورهای لیتوانی و لهستان و در کنار دریای بالتیک قرار دارد. (طولانی، 1379: 47)

تنها راه رسیدن به این منطقه، از راه کشورهای لیتوانی و لهستان است. وجود پایگاه دریایی روسیه در منطقه کالینین گراد و حضور بیش از 100 هزار نیروی نظامی روسیه در این منطقه این جزیره را برای روسیه دارای اهمیت دو چندان نموده است). پوتین در اوت سال 2000 میلادی در بازدیدی که از پایگاه دریایی کالینین گراد به مناسبت روز دریایی روسیه انجام داد، در نطقی گفت: «مقام و موقعیت روسیه همیشه وابسته به نیروی دریایی کشورش بوده است زمانی که نیروی دریایی ضعیف شود بدترین وضع برای کشور خواهد بود و زمانی که نیروی دریایی قوی باشد روسیه نیز قد علم می کند و قادر است که خود را قدرت بزرگ بنامد». (ثقفی عامری، 1379: 11)

بر این اساس یکی از علل مخالفت روسیه با عضویت لهستان در ناتو، همسایگی این کشور با کالینین گراد است، چرا که در صورت عضویت این کشور در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو، هم مرز روسیه می شود و مسکو آن را خطری جدی برای قلمرو خود تلقی می کند. با عضویت لهستان در ناتو در سال 1999 میلادی، تنها راه روس ها برای رسیدن به کالینین گراد، خاک لیتوانی است. (فلاحی، 1378: 75 - 374)

تا کنون یکی از علل نپذیرفتن عضویت کشورهای بالتیک هم چون لیتوانی نیز حساسیت

روسیه بوده است، چرا که در صورت پذیرش عضویت این کشور در ناتو، روسیه آن را خطری برای قلمرو خود می‌داند. در این صورت کالینین گراد در خارج از مرزهای روسیه، در بین کشورهای ناتو قرار می‌گیرد. این مسئله ای است که روسیه به شدت به آن مخالف است و آن را مغایر با امنیت ملی کشورش تلقی می‌کند. (فلاحی، 1378: 373)

4- مخالفت روسیه در راستای دست یابی به منافع اقتصادی

یکی از علل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به سوی شرق مسائل اقتصادی است. از دیدگاه روسیه در صورت گسترش ناتو به سوی شرق منافع اقتصادی این کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد. براساس این دیدگاه که اهمیت کشورهای پیرامونی را بر مبنای ژئواکونومیکی مطرح می‌کند، جمهوریهای خارج نزدیک، نقش مهمی در اقتصاد روسیه ایفا می‌کنند. (کولایی، 1377: 120)

بر این اساس، روسیه یکی از عوامل گسترش ناتو را دست یابی به حوزه های جدید اقتصادی می‌داند و بر این باور است که ایالات متحده و کشورهای اروپایی عضو ناتو، به دلیل کسب امتیازات نفتی و معدنی، و به دست گرفتن بازارهای این گونه کشورها راهبرد توسعه ی ناتو به شرق را مطرح می‌کنند که این موضوع با منافع ملی روسیه تعارض دارد و اعضای ناتو خواستار حذف روسیه در بازار جمهوری های پیرامونی هستند. مسکو بر این اعتقاد است که جمهوری های خارج نزدیک، سهم زیادی در اقتصاد این کشور ایفا می‌کنند. برای نمونه، 65 درصد از واردات قزاقستان، 58 درصد از واردات ازبکستان، 51 درصد از واردات قرقیزستان و 48 درصد از واردات ترکمنستان و تاجیکستان از روسیه است در مقابل 53 درصد از صادرات قزاقستان، 61 درصد از صادرات ازبکستان، 39 درصد از صادرات قرقیزستان، 54 درصد از صادرات ترکمنستان و 53 درصد از صادرات تاجیکستان به روسیه انجام می‌شود. (کولایی، 1387: 123)

همچنین سهم روسیه در صادرات ارمنستان 78 درصد و در واردات آن کشور، 46/6

درصد بوده است.

همه نمونه های یاد شده حاکی از این امر است که اقتصاد روسیه و جمهوری های منطقه با هم گره خورده و ارتباط عمیقی میان بخش ها و موسسه های اقتصادی کشور روسیه و جمهوری های پیرامونی وجود دارد. (ایوانف، 1386: 132)

جمهوری های خارج نزدیک در دیدگاه اوراسیایی ها از اهمیت زیادی برخوردار است و یکی از این دلایل، اهمیت بالای اقتصادی است. اوراسیایی ها با حضور اعضای ناتو در این منطقه به شدت مخالف هستند. وجود مناطقی سرشار از منابع نفتی و معدنی و نیز مسیر ترانزیتی، روسیه را بر آن داشته است تا با گسترش ناتو به سوی شرق مخالفت کند. (پاکدامن، 1383: 50)

4- راهکارهای احتمالی روسیه در قبال گسترش ناتو

در طول سال های 96 - 95 هنگامی که روسها بطور مکرر ندای مخالفت با گسترش ناتو را سر دادند، بمنظور ملموس کردن صدای مخالفت خود در جهان غرب تهدیداتی ضمنی و علنی را مطرح می کردند و اگرچه برخی از این تهدیدات بیشتر از آن که برپایه واقع بینی بنا نهاده شده باشند، برای ایجاد جو روانی در میان افکار عمومی جهان غرب مطرح می گردیدند. (تقفی عامری، 1384: 45)

اما بواقع باید اذعان داشت که روسیه راه کارهایی، هرچند محدود را برای مقابله با توسعه ناتو به سوی شرق در مقابل خود داشته که در صورت عدم رفع نگرانی های این کشور در توسعه ناتو و توافق با این کشور، آنان علی رغم مشکلات فراوان و عدیده داخلی و اقتصادی آماده بودند تا به برخی از اقدامات واکنشی، در قبال طرح گسترش دست زنند. در این قسمت به راهکارهای روسیه در مخالفت با گسترش ناتو اشاره خواهد شد:

الف) تقویت همکاری با کشورهای مخالف غرب

یکی از مهم ترین راه کارهای پیش روی روسیه برای مقابله با طرح گسترش ناتو، بسط و توسعه همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی با کشورهایی است که به اصطلاح در خارج از بلوک غرب قرار داشته و از نظم نوین بین المللی راضی نمی باشند. مهمترین کشور این گروه چین می باشد، که از جایگاه والایی در سیاست های ضد ناتوی روسیه برخوردار است. (ثقفی عامری، 1384: 75)

به دنبال ایجاد تعدیلاتی در سیاست خارجی روسیه، جایگاه چین در نگرش به شرق سیاست خارجی روسیه اهمیت به سزایی دارد. دو کشور به سرعت در خصوص مرزهای مشترک به توافق دست یافته و عامل اصلی بی ثباتی که سال ها بر روابط این دو کشور سایه افکنده بود را حذف کردند و نهایتاً دو کشور برای ایجاد ائتلاف استراتژیک اعلام آمادگی نمودند. (فریچه، 1383: 231)

همچنین مقامات دو کشور، ضمن مخالفت با تلاش برخی کشورها برای ایجاد نظام تک قطبی بر چند قطبی بودن نظام آتی بین المللی تأکید کردند. موضوع مخالفت با گسترش ناتو بارها از جانب چینی ها محکوم شده و این کشور گسترش ناتو را برنامه جدید غرب برای جلوگیری از ظهور قدرت جهانی چین تلقی کرده اند که قرار است توسط آمریکا طراحی و به مورد اجرا گذاشته شود. برخی از تحلیل گران سیاسی معتقدند خط مشی آمریکا در خصوص گسترش ناتو به شرق، مسکو را در شرایطی قرار داده که این کشور سیاست همکاری استراتژیک با ایران را پی ریزی کند. در این رابطه الکساندر شوخین¹ معاون اول اسبق دومای روسیه تأکید کرد که اگر ناتو قصد هم مرز شدن با روسیه را داشته باشد؛ و یا سلاح هسته ای در خاک کشورهای شرق اروپا مستقر نماید این کشور دست به اتحاد استراتژیک با بلاروس زده و همگرایی و روابط استراتژیک با ایران، هند و چین را نیز تقویت خواهد کرد. (پیکرنیک، 1379: 44)

ب) ایجاد فضای ناامنی

به دنبال تشدید مخالفت ها با گسترش ناتو در روسیه، در مطبوعات و رسانه های گروهی این کشور هشدارهایی مبنی بر احتمال نشانه روی مجدد موشک های اتمی روسیه بطرف کشورهای عضو ناتو و ایجاد فضای ناامنی در غرب در صورت نادیده گرفتن منافع امنیتی این کشور مطرح گردید. (ریشنز، 1378: 52)

در این رابطه حتی وزیر دفاع روسیه رسماً اعلام داشت که موشک های روسیه ممکن است کشورهای اروپایی شرقی را که به عضویت ناتو در می آیند، نشانه روی کند. وی خطاب به ملت های اروپای شرقی می گوید "در صورت استقرار تجهیزات ناتو در خاک کشورهایشان موشک های هسته ای روسیه حتماً آنان را مورد هدف گیری قرار خواهند داد" هم چنین مقامات روسیه هشدار دادند که در صورت عملی شدن طرح گسترش ناتو وعدم توجه به نظرات روسیه، ناتو باید آماده مواجهه با موشک های روسی و آغاز دورجدیدی از جنگ سرد و گرم باشد. (ملکی، 1379: 176)

مقامات روسی در پاسخ به گسترش ناتو بر این باورند که روسیه به تامین امنیت ملی نیاز دارد. توسعه ناتو مرز جدیدی را در اروپا ایجاد خواهد کرد و این امر روسیه را به اصلاح برنامه های ساختار نظامی و ادار خواهد کرد. (ملکی، 1382: 180)

نخستین بار پس از فروپاشی شوروی در سال 1993 آئین نظامی جدید روسیه به تصویب رئیس جمهور این کشور رسید. آئین نظامی جدید روسیه که اتکای مسکو را به نیروهای هسته ای مورد توجه قرار می داد، ناشی از دو

امر بسیار مهم بود:

الف) کاهش توانایی های متعارف نظامی روسیه

ب) تهدیدهای امنیتی علیه آن کشور از سوی گسترش ناتو و بنیاد گرایی اسلامی در مرزهای جنوبی است.

به بیان ولادیمیر لوکین¹ سفیر اسبق روسیه در واشنگتن، "روسیه به ضامن هسته ای محکم نیاز دارد تا پاسخگوی گسترش برنامه ریزی شده ناتو و اصرار غرب بر تداوم اجرای پیمان محدودیت نیروهای متعارف باشد". در اواخر آوریل 2000 میلادی، شورای امنیت روسیه، دکترین نظامی جدید این کشور را تصویب کرد که به مسکو اجازه ی وارد آوردن ضربه نخست هسته ای در صورت تهدید جدی علیه این کشور را می دهد. (کولایی، 1374: 90)

این دکترین، جایگزین دکترین مصوب سال 1993 شد که حق ضربه نخست هسته ای را برای روسیه محفوظ می دارد. سرگئی ایوانف² دبیر شورای امنیت روسیه، پس از تصویب دکترین نظامی جدید اعلام داشت: "طرح مذکور اصولاً جنبه دفاعی دارد و پیش از هرچیز، برای جلوگیری از تجاوزات دشمن و برقراری حراست و دفاع از صلح و آرامش کشور در نظر گرفته شده است". این طرح، امکان دفاع از منافع روسیه را در عرصه نظامی فراهم می کند. (تقفی عامری، 1379: 28)

براین اساس پوتین بهترین جایگزین را برای دست یابی به منافع ملی و امنیت روسیه در نظام بین الملل، استفاده از حق ضربه نخست اتمی دانست. مسکو با تصویب این دکترین، خط قرمز خود را به اعضای ناتو و بویژه آمریکا نشان داد. سیاست مداران کرملین خط قرمز را عدم پذیرش جمهوری های خارج نزدیک در ناتو و گسترش این سازمان را به سوی روسیه اعلام کردند. از سوی دیگر، اتخاذ دکترین جدید از سوی روسیه، تجدید نظر این کشور در مورد راهبرد تدافعی قلمداد می شود؛ و در صورتی که امنیت روسیه، مورد تهدید خارجی قرار گیرد، این حق را برای خود محفوظ خواهد داشت که نخستین استفاده کننده از سلاح اتمی باشد. (ریبکن، 1376: 44)

در مورد توان تسلیحاتی هسته ای و متعارف روسیه باید یادآوری کرد که فدراسیون

1 - Vladimir Liukin

1 - Sergei Ivanov

روسیه با وجود فروپاشی شوروی، میراث دار بزرگ توان اتمی و تسلیحات متعارف شوروی شد؛ به گونه ای که هم اکنون روسیه دارای 1174 سیستم حامل راهبردی و 2500 کلاهک هسته ای است. (ثقفی عامری، 1379: 19)

هم اکنون مسکو دارای 1035 موشک بالستیک قاره پیمای ICBM در برابر 1000 موشک بالستیک آمریکا است (کاظمی، 1372: 542). هم چنین این کشور 27 موشک جدید از نوع SS.25 را به زرادخانه اتمی خود افزود (پیشوایی، 1376: 45) و دست کم دارای 10 کارخانه ی تولید تسلیحات شیمیایی است (کارنیول، 1379: 30) افزون بر آن، تلاش های آن کشور در ساخت و تولید جنگنده ی پیشرفته بمپ افکن TU160 که می تواند 12 موشک کروز را حمل کند و همچنین تولید جنگنده پیشرفته میگ 42-2، نشان دهنده توجه به تسلیحات است. (جوکار، 1378: 217)

ج) پیمان شانگهای

سازمان همکاری شانگهای سازمانی میان دولتی است که برای همکاری های چندجانبه امنیتی تشکیل شده است. این سازمان در سال ۲۰۰۱ توسط رهبران [چین](#)، [روسیه](#)، [قزاقستان](#)، [قرقیزستان](#)، [تاجیکستان](#) و [ازبکستان](#) پایه گذاری شد. سازمان همکاری شانگهای در حقیقت ترکیب جدید سازمان «[شانگهای ۵](#)» است که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده بود؛ ولی نام آن پس از عضویت [ازبکستان](#) به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر داده شد. (wikipedia)

علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا [مغولستان](#) در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد [ایران](#)، [پاکستان](#)، و [هند](#) به عنوان عضو ناظر به سازمان ملحق شدند.

نقش این سازمان از زمان تاسیس آن تاکنون در منطقه افزایش یافته است. این سازمان، بر خلاف [سازمان پیمان آتلانتیک شمالی](#) (ناتو) و [پیمان ورشو](#) سابق، هنوز یک معاهده دفاعی چندجانبه به شمار نمی رود. سازمان همکاری شانگهای از دل رقابت

قدرت‌های بزرگ بر سر منطقه ژئوپلیتیک [آسیای میانه](#) ظهور کرد. هدف اولیه تاسیس این سازمان، غیرنظامی کردن مرز بین [چین](#) و [شوروی](#) بود.

کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای روی هم نه تنها بزرگ‌ترین توان [اقتصادی، نظامی، هسته‌ای](#) و [فضایی](#) جهان را دارا هستند، بلکه بیشترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی در جهان نیز می‌باشند. مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) این سازمان روی هم بیش از ۲۵۰۱ میلیون کیلومتر مربع یا یک چهارم سطح خشکی‌های زمین است.

[اساس‌نامه](#) سازمان همکاری شانگهای بر شفافیت عملکرد و بی‌طرفی نظامی آن تاکید می‌کند. علیرغم این موضوع، شکی نیست که سازمان همکاری شانگهای نقش موازنه دهنده‌ای در صحنه بین‌المللی خصوصاً در مقابل [بیمان ناتو](#) ایفا می‌نماید. برای مثال، [ایالات متحده آمریکا](#) درخواستی جهت عضویت به عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری شانگهای ارائه کرده بود، اما این درخواست در سال ۲۰۰۵ از طرف سازمان رد شد. (همان)

با توجه به ظرفیت‌هایی که سازمان همکاری‌های شانگهای از قبیل توان اقتصادی، وسعت سرزمینی، جمعیت و حتی توان نظامی دارد؛ و با توجه به اینکه دارای دو عضو دائمی و دارای حق وتو (روسیه و چین) در سازمان ملل می‌باشد، می‌تواند بعنوان مهمترین پیمان منطقه‌ای محسوب گردد که می‌تواند در مقابل توسعه طلبی‌های ناتو قد علم کرده و حتی پیشرویه‌های بیشتر این سازمان به سمت شرق گردد.

حوزه‌های همکاری روسیه و ناتو

باتوجه به وجود چالش‌ها و موانع مهم در روابط ناتو - روسیه، طرفین ضرورت همکاری در حوزه‌های امنیتی را احساس کرده و بدین منظور طی چند سال گذشته، خود را متعهد به همکاری‌های نزدیکتر در این خصوص نموده‌اند. در این ارتباط اگرچه

ولادیمیر پوتین تصریح کرده است که کشورش قصد پیوستن به ناتو را ندارد، اما مسکو بهبود روابط با ناتو را در اولویت های سیاست خارجی خود قرار داده است. (Nato. int)

در این چارچوب، پس از حملات تروریستی 11 سپتامبر، نگرش روسیه در قبال همکاری با ناتو مساعدتر شده است. شایان توجه است که صرف نظر از شکل گیری شورای ناتو روسیه (NRC) در آوریل سال 2004، ناتو و روسیه معاهداتی را امضاء کردند که به موجب آنها دفتر رابط نظامی روسی در فرماندهی عملیاتی ناتو در مونز بلژیک و متحد فرماندهی ناتو در نورفولک ویرجینا ایجاد گردید. (همان)

به بیان دیگر پس از 11 سپتامبر سران ناتو و روسیه ضرورت همکاری های نزدیک تر میان دو طرف را درک کردند. تصمیم پوتین برای پیوستن به ائتلاف ضد تروریستی شکل گرفته میان قدرت های جهان، شکل گیری و توسعه همکاری علمی میان ناتو و روسیه را نیرومند ساخت. (Bsworth, 2002: 361)

همچنین این موضوع به فراتر رفتن روابط اعلامی، به یک همکاری در چارچوب تأسیس شورای مشترک دائمی ناتو- روسیه، کمک شایان توجهی نمود. (Danilov, 2002: 81)

از سوی دیگر در چارچوب NRC فضای علمی همکاری برای مبارزه علیه تروریسم نیز فراهم گردید. مدیریت بحران، عدم اشاعه سلاح های کشتار جمعی، کنترل تسلیحات، دفاع موشکی و اصلاحات دفاعی به روسیه و ناتو کمک کرد تا دیدگاه نوینی به فرایند همکاری داشته باشند. این چارچوب فرصت مناسبی برای ایجاد چشم اندازهای مشترک در خصوص تهدیدات جدید، به ویژه در حوزه مبارزه با تروریسم بود که منجر به صدور بیانیه های مشترک و شکل گیری برنامه اقدام ناتو و روسیه، در خصوص تروریسم گردید و طیف گسترده ای از طرح های جدید را در بر گرفت. (Alexeev, 2006: 15)

در این راستا توجه ویژه ای به ابعاد همکاری های نظامی - نظامی مبذول شد. علیرغم وجود برخی دشواری ها و اختلاف نظرها که در خلال عملیات مشترک در بوسنی و کوزوو، میان نیروهای دوطرف پیش آمد، بر تردیدهای متقابل و

بی اعتمادی‌های موجود با موفقیت غلبه شد. در جریان کار NRC، دو طرف گام‌های مهمی در امضای شماری از توافقنامه‌ها در خصوص موضوعاتی نظیر جست‌وجو و نجات در دریا، وضعیت‌های فوق‌العاده غیرنظامی، تبادل اطلاعات و... برداشتند. مانورهای مشترکی چون کالینین‌گراد و آواریا (آزمایش واکنش به حوادث ناشی از سلاح‌های هسته‌ای که در سال 2004 در مورد ماسک انجام شد). از جانب کارشناسان و سیاست‌مداران بسیار مهم ارزیابی شده‌اند. از سوی دیگر، تصمیم روسیه برای مشارکت در عملیات «تلاش فعال¹» که در جریان اجلاسی در استانبول² صورت گرفت، حاکی از تعهد روسیه به مبارزه مشترک علیه تروریسم است (دارمی، 1386: 203)

همکاری‌های نظامی دوجانبه، نشان‌دهنده تمایل ارتش روسیه به گسترش همکاری با ناتو می‌باشد. در همین ارتباط به نظر می‌رسد نگرش مشابهی نیز در میان اعضای ناتو در این باره شکل گرفته است. به عبارت دیگر طی سال‌های اخیر ناتو و روسیه به سه هدف مهم دست یافته‌اند:

اول) آنکه، دوطرف مکانیسم‌های سازمانی برای همکاری را به وجود آورده‌اند. در حال حاضر دو هیأت نمایندگی ناتو در روسیه مشغول به فعالیت هستند و روسیه نیز هیأت‌هایی را در مقر ناتو مستقر ساخته است.

دوم) آنکه طرفین به یک آشتی عقلانی دست یافته‌اند که براین اساس یکدیگر را دشمن تلقی نمی‌کنند.

سوم) آنکه، ناتو و روسیه در حوزه‌های علمی، همکاری با یکدیگر را آغاز نموده‌اند. در حال حاضر ناتو و روسیه برای دستیابی به هماهنگی و سازگاری نظامی مشغول فعالیت هستند. این همکاری برای مأموریت‌های مشترک حفظ صلح و اقدام، در دیگر حوزه‌ها حائز اهمیت می‌باشد. (Alexeev, 2006: 15-17)

1 - ActiveEndeavour

2 - Istanbul

براین مبنا روس ها اهداف مهمی را در روابط نزدیک با ناتو دنبال می کنند:

- 1- حضور نهادهای تعیین کننده و تصمیم ساز جهانی و جلوگیری از انزوای روسیه در مسائل مهم بین المللی و امور مربوط به امنیت جهانی
- 2- جلوگیری از جهت گیری های احتمالی ناتو علیه روسیه
- 3- فرصت سازی برای حل مسائل جدایی طلبی در روسیه بویژه در شمال قفقاز از طریق پیوند زدن مسائل آن با موضوع کلی مبارزه با تروریسم جهانی.

در مورد اهداف ناتو در نزدیکی به روسیه باید گفت که در هریک از دو پایه ی اصلی این سازمان یعنی اروپای غربی و آمریکا دیدگاه های مختلفی وجود دارد. علاقه مندی اروپا به افزایش همکاری با روسیه در جهت مشروط و محدود ساختن آن کشور در برخی از چارچوب های موجود می باشد و این امر از سه موضوع نشأت می گیرد:

اولاً روسیه در همسایگی اروپا قرار دارد و امنیت اروپا به امنیت آن کشور مرتبط است.

ثانیاً اروپا در آن چه که مسئله تروریسم خوانده می شود و ریشه های آن در بحران خاورمیانه قرار دارد به لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی آسیب پذیرتر از آمریکا می باشد. و از این رو به نقش مثبتی که احتمالاً روسیه می تواند ایفا نماید اهمیت می دهد.

ثالثاً بخش قابل توجهی از مواد مخدر از طریق روسیه به اروپا ارسال می شود و همکاری این کشور با اروپا در این زمینه ضروری می باشد. (ثقفی عامری، 1386: 22 – 23)

عده ای از تحلیل گران مسائل سیاسی نظرشان در مورد ورود روسیه به این پیمان امنیتی فرا آتلانتیکی بر این پایه استوار است که، خارج نگه داشتن این کشور از ناتو خطر توسعه طلبی روسیه را افزایش خواهد داد. حال آنکه با ورود روسیه به این پیمان، خطر یاد شده، اهمیت خود را از دست می دهد. (Baker, 2002: 100)

به هر ترتیب، به باور تحلیل گرانی که ادغام روسیه در ناتو را پیش بینی می کنند، اهداف مشترک میان این دو بازیگر بین المللی مانع از آن خواهد شد تا ناتو و روسیه در

مقابل یکدیگر قرار گیرند.

تروریسم بین الملل، گسترش تسلیحات کشتار جمعی، مبارزه با مواد مخدر، افزایش تدریجی قدرت چین و چالش های جمعیتی و زیست محیطی، نمونه هایی از تهدیدات امنیتی مشترک میان روسیه و ناتو به شمار می آیند. با این حال همان طور که کیسینجر نیز بعد از تصویب سند تشکیل شورای روسیه - ناتو اعلام کرد: «روسیه دلیل اصلی ابقای ناتو و گسترش آن به شرق محسوب می گردد». (www.fas.org)

روابط فرا آتلانتیکی (روسیه - آمریکا)

در بررسی روند پیوستن روسیه به سیستم امنیت فرا آتلانتیکی، روابط دو جانبه واشنگتن - مسکو حائز اهمیت قابل توجهی است، زیرا این موضوع شرایط روسیه را برای الحاق به سیستم امنیتی ناتو مشخص می کند. روسیه که در حقیقت جانشین اتحاد جماهیر شوروی شد، مجموعه ای از تعهدات و الگوهای رفتاری را در رابطه با ایالات متحده به صورت خودکار از شوروی سابق به ارث برد. با این حال امروزه روسیه جایگاهی محوری در سیاست خارجی ایالات متحده، به خود اختصاص داده است. با توجه به برخی اظهارات صورت گرفته در نشست ها و اجلاس های متعدد که در آن ها از سطح بالای همکاری ها میان مسکو - واشنگتن سخن به میان می آید و نیز علیرغم وجود دیدگاه های خوش بینانه، به نظر می رسد شمار زیادی از مشکلات طی سال های گذشته، بر سر راه همکاری دو کشور قرار داشته است. بدین ترتیب هنگامی که بحث همکاری دو جانبه بر سر مسائل نظامی و اطلاعاتی مطرح می شود، تردید و بی اعتمادی ناشی از سال های جنگ سرد، مجدداً بر روابط دو کشور سایه می افکند که غلبه بر آن ها بسیار دشوار می نماید. که این مشکلات عبارتند از:

نخست آنکه، آمریکا نسبت به چشم اندازهای دموکراسی در روسیه با دیده تردید می نگرد، بگونه ای که این چشم انداز بیشتر حالت انتقادی دارد. در این چار چوب،

احتمالاً در آینده نزدیک میزان انتقاد از رفتار مسکو بیشتر خواهد شد. دوم آنکه، استراتژی آمریکا و روسیه در برخورد با مسائل شکل گرفته در فضای پس از اتحاد شوروی، دارای اختلاف های اساسی است. در این راستا روسیه به این حوزه (CIS) بعنوان یک حوزه امنیت ملی می نگرد. در حالیکه فعالیت آمریکا در این منطقه باعث برانگیخته شدن برخی نارضایتی در کرملین و تحریک نیروهای ناسیونالیست درون روسیه می شود، از سویی دیگر آمریکا در استراتژی خود منطقه CIS را به عنوان یک عامل کلیدی در منافع ملی خود تعریف کرده است. در این ارتباط واشنگتن به برقراری و افزایش ثبات و دموکراسی در این منطقه از طریق افزایش نفوذ روسیه اعتماد چندانی ندارد.

سوم آنکه، ایالات متحده درباره یک اروپای جدید تغییر یافته دیدگاه های مخصوص به خود را دارد و احتمالاً چشم انداز خود را برای اقدام یک جانبه در این مناطق، با تعهد به ابزار حقوقی سازمان ملل یا دیگر مکانیسم های چند جانبه محدود نخواهد کرد. هم چنین ایالات متحده روسیه را به عنوان یک بازیگر جهانی در عرصه بین المللی تلقی نمی کند، چرا که دولت روسیه از ضعف های اقتصادی، سیاسی و نظامی رنج می برد. افزون بر این، درک کرملین از منافع ملی خود، براساس شرایط سیاسی معاصر تغییر می کند و نه بر مبنای اولویت های بلند مدت که در نتیجه این موضوع، برروابط استراتژیک دو کشور تاثیر منفی می گذارد. (دارامی، 1386: 205)

نتیجه گیری

روابط روسیه و ناتو فاقد نهادینگی و پایداری لازم می باشد. علت اصلی این مسئله نیز آن است که هیچ یک از طرفین حاضر به پذیرش شرایط و ملاحظات دیگری نمی باشد. در این میان به نظر می رسد که جهت گیری روسیه نسبت به این پیمان امنیتی بین المللی که از نیمه دهه 1990 روند گسترش به شرق را آغاز کرده است، نوسانی و غیر

شفاف باشد. گواه این مسئله وجود سناریوهای مختلف در مورد سیاست روسیه در برابر این سازمان می باشد.

با این همه، نظر به اینکه هویت ژئوپلیتیک روسیه به سیاست خارجی این کشور ماهیتی واکنشی و تدافعی بخشیده، چنین به نظر می رسد که پس از فروپاشی نظام دو قطبی و افول منزلت بین المللی روسیه از «ابرقدرتی» به «قدرت بزرگ»، این کشور با پیگیری سیاستی عمل گرایانه اصل گسترش ناتو به سوی شرق را به صورت مشروط پذیرفته باشد. به بیان دیگر، از آنجا که منطقه پیرامونی روسیه (که منظور از آن همان کشورهای غربی و جنوب غربی شوروی سابق می باشد) رکن اساسی سیاست هژمونی منطقه ای این کشور را تشکیل می دهد، لذا مسکو تنها در برابر گسترش نفوذ و نقش ناتو در این منطقه، به مقاومت آشکار دست خواهد زد. بر پایه این استدلال، هر گونه همکاری عمیق و استراتژیک میان روسیه و ناتو منوط به آن خواهد بود که ایالت متحده آمریکا و سایر دول اروپای غربی نقش و نفوذ روسیه در منطقه «خارج نزدیک» را به رسمیت بشناسند.

از طرفی دیگر ناتو و در رأس آن آمریکا نیز بدنبال اجرای سیاستهای بین المللی خود می باشند. این سازمان در روند گسترش به شرق خود به نزدیکی مرزهای روسیه رسیده است. بطوریکه کشورهای اوکراین و گرجستان (که در حیطه کشورهای خارج نزدیک روسیه محسوب می شوند) درخواست عضویت در ناتو را داده اند، که در حال بررسی است. روسیه نیز در مقابل، اعلام مخالفت آشکار نموده است و نسبت به عواقب آن برای ناتو و آمریکا هشدار صریح داده است.

علی رغم اختلاف نظرهای زیادی که روسیه و ناتو با همدیگر دارند، در برخی زمینه ها نیز در سطح منطقه ای و بین المللی همکاریهایی داشته اند؛ که از آن جمله میتوان به همکاری در زمینه های مبارزه با تروریسم بین المللی - مبارزه با مواد مخدر - منع تولید و گسترش سلاحهای کشتار جمعی و همچنین همکاری در زمینه های علمی و

اقتصادی. اما هیچکدام از این موارد موجب از بین رفتن بی اعتمادی آنها نسبت به همدیگر نشده است.

در نهایت ارزیابی پژوهشگر این است که هم ناتو و هم روسیه بدنبال تسلط بر منطقه اوراسیا می باشند؛ ولی آنچه که مشهود است، روسیه در حال حاضر سازوکارهای لازم برای این امر مهم را ندارد و در حال شکل دادن یک ائتلاف بزرگ بنام شانگهای است که بتواند از طریق آن مانع گسترش و تسلط ناتو بر این منطقه شود. از طرف دیگر ناتو که سازوکارهای لازم (نظامی - اقتصادی - فرهنگی - علمی و...) برای تسلط بر این منطقه را دارد یک مانع بزرگ بنام روسیه را در مقابل خود دارد که دارای سلاح هسته ای است و بارها ناتو و آمریکا را به استفاده از آن نموده است. به عقیده پژوهشگر دو راهکار پیش روی دو طرف (روسیه و ناتو) وجود دارد: اول آنکه شرایط و ملاحظات همدیگر را درک کنند و لحاظ کنند. دوم اینکه دست به جنگ گسرده بزنند. و قطعاً راه حل نخست عاقلانه تر به نظر می رسد.

منابع

- 1- پیکرنیک، توماس (1379). " هند، چین و روسیه از نگاه آمریکا "، ترجمه ی مجید علوی کیا، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم.
- 2- ثقفی عامری، ناصر. (1379). سیاست امنیتی روسیه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 31.
- 3- ثقفی عامری، ناصر. (1383). گسترش ناتو به شرق در حرکت دوم، معاونت پژوهشی سیاست خارجی - مرکز تحقیقات استراتژیک، گاهنامه شماره 102.
- 4- ثقفی عامری، ناصر. (1386). ناتوی جدید در معادلات بین الملل، پژوهشکده مطالعات استراتژیک - گروه پژوهشهای سیاست خارجی، پژوهش 9.
- 5- جوکار، علی اکبر. (1378). استفاده از توانایی نظامی در جهت اقتدار سیاسی در روسیه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره 26.
- 6- دارمی، سلیمه. (1386). ناتو در قرن 21، تهران: ابرار معاصر.
- 7- ریبن، ایوان. (1376). پیرامون نظریه امنیت ملی روسیه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره 19.
- 8- ریشنز، ولفگانگ. (1378). ناتو را باید به صلابه کشید، مجله ترجمان سیاسی، سال چهارم شماره 49.
- 9- طاوولی، فخر. (1378). روسیه، تروریسم و اسلام، مجله ترجمان سیاسی، سال چهارم، شماره 44.
- 10- طولانی، قاسم. (1379). یک جزیره روسی در اتحادیه اروپا، مجله ترجمان سیاسی، سال پنجم شماره 2.
- 11- علیخانی، یوسف. (1379). اروپا بدون روسیه معنا ندارد، روزنامه انتخاب، شماره 313.
- 12- فریچه، کلاوس. (1375). خطر اتحاد چین و روسیه علیه غرب، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره 15.
- 13- فلاحی، علی. (1378). روسیه، مسئله کالینینگراد و گسترش ناتو، مجله سیاست

خارجی، سال سیزدهم.

- 14- کولایی، الهه. (1374). روسیه، غرب و ایران، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره 12.
- 15- کولایی، الهه. (1377). قوانین اساسی فدراسیون روسیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- 16- کولایی، الهه. (1384). ناتو، دگرگونی در مأموریتها و کارکردها، انتشارات دانشگاه تهران.
- 17- کولایی، الهه. (1386). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، دگرگونی در مأموریت و کارکردها، انتشارات دانشگاه تهران.
- 18- کیانی، داود. (1386). جهت گیری سیاست خارجی روسیه در برابر ناتو، پژوهشکده مطالعات استراتژیک - گروه پژوهش سیاست خارجی، پژوهش 9.
- 19- گروموف، فلیکس. (1376). آینده روسیه بدون دریا و نیروی دریایی تصورناپذیر است، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره 17.
- 20- ملکی، قاسم. (1376). روسیه مخالف با توسعه طلبی ناتو، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره 17.
- 21- ملکی، قاسم. (1382). روسیه و مخالفت با توسعه طلبی ناتو، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 17.
- 22- فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، تابستان 81 شماره 169.
- 23- فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پائیز 1387، شماره 63.
- 24- فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان 1387، شماره 64.
- 25- فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان 1389، شماره 70.
- 26- اعتماد ملی 88/2/22 - جهانگیر کرمی، ص 7.
- 27- شرق 89/7/24 - گزارش ص 6.

security", **the George Marshall European Center for Security Studies**, no. 1.

29 – Baker , james. (2002). "Russian in nato", **The Whashington Quarterly**.

30 – Bsowarth, kara. (2002). "The effects of 11 september on Russia – Nato Relations". **perspectives on european politics & society**, vol. 39 Issue 3.

31- Jackson, Nicole. (2003). **Russian Foreign Policy And The CIS** , New york: Routledye.

32 – Mateeu, Alexwy. (2003). "**Russia may lose its leverage in the CIS**" available from [http: // www.rambler ru/db/news/msg.htm1mid = 5655861](http://www.rambler.ru/db/news/msg.htm1mid=5655861)

33 – Valasek, Tomas. (2002). "**The U.S National Security Strategy**" , Aview from Europe , center for defense Information.